

## بنا بر بودجه ۸۵، سال آینده سال بحران ها است

در شرایط جدید پرونده هسته ای و با از سرگیری فرآیند غنی سازی توسط نظام ولایت فقیه، تحریم اقتصادی ایران به مثابه گزینه اول غرب در مقابل ایران محسوب میشود. طرفه اینکه نظام ولایت فقیه بار دیگر سیاست نفتی و اقتصادی را اتخاذ کرده است که هدف اصلی آن از بین بردن توان مقاومت کشور در مقابل فشار غرب است. همان سیاست خانمانسوزی که در مقطع گروگانگیری و جنگ ۸ ساله منجر به سر کشیدن جام زهر توسط خمینی واز توان افتادن اقتصاد ایران شد. با توجه به شناختی که از روش موازنه مثبت نظام حاکم داریم، در حین ایجاد بحرانهای شدید برای کشور، از لاف زنی ها و تهدید های میان تپه - از قبیل خارج شدن از آژانس جهانی انرژی هسته ای و قطع صدور نفت به غرب و... - ابایی ندارد. از پیش می دانیم که بنا بر رویه، پیوسته در پایان با باج دهی هنگفت از کیسه ملت گردن آزاد میکند. اما کدام سران حکومتی در جهان همانند سران حکومت احمدی نژاد آنقدر از معرفت علمی تپه شده اند که همزمان که از نفت به مثابه اهرم سیاسی در صورت اعمال گزینه تحریم اقتصادی توسط شورای امنیت در موضوع هسته ای نام میبرند، لایحه بودجه ای را در جلو چشم جهانیان، به مجلس بدهند که بنا بر آن، بشکه های نفت بایستی رقم هر بشکه ۴۰ دلار را برای بودجه تامین کنند و سایر اقلام بودجه نیز وابستگی غیر مستقیم به نفت و افلاس کامل راگزارشگر باشند؟

به تعبیر زیبایی مولوی

به سر مناره اشتر رود و فغان بر آرد

که نهان شدم من اینجا، نکند آشکارا!

ارقام لایحه بودجه ۸۵ فغان حکومت احمدی نژاد در اعتراف به تپه شدن از هر گونه معرفت اقتصادی، کفایت و لیاقت است.

ارقام لایحه بودجه ۸۵ فغان حکومت احمدی نژاد در اعتراف به تپه شدن از هر گونه معرفت اقتصادی، کفایت و لیاقت است.

با هم به ویژه گیهای لایحه بودجه ۸۵ نظر افکنیم و آن را مورد بررسی قرار دهیم:

در لایحه یک میلیون و ۹۵۶ هزار میلیارد ریالی بودجه سال ۸۵، رقم بودجه عمومی دولت ۶۲۹ هزار و ۶۴ میلیارد ریال است که دو قسمت ۵۹۰ هزار و ۲۸۲ میلیارد ریال از محل درآمدهای عمومی دولت و رقم ۳۸ هزار و ۷۸۱ میلیارد ریال از محل درآمدهای اختصاصی دولت را دربر می گیرد بدینسان بودجه از ۱۵۵ هزار میلیارد تومان در سال ۸۴، به ۱۹۵ هزار میلیارد تومان در سال ۸۵ می رسد یعنی ۴۰ هزار میلیارد تومان افزایش را خبر میدهد. بودجه ای که دو برابر منابع است اما منابع کککش دو برابر شدن را ندارد. مطابق آخرین ارزیابی صندوق بین المللی پول (خبرگزاری پارس ۸ مرداد ۸۴) طی چهار سال گذشته به طور متوسط، ۳/۵۹ درصد از درآمد بودجه دولت ایران به طور مستقیم از محل صادرات نفت تأمین شده است حال آن که طی همین مدت متوسط سهم نفت در تأمین بودجه کشور نفتخیز عراق ۵۸ درصد، اندونزی ۳۱ درصد، نروژ ۴/۲۴ درصد و قزاقستان ۲۱ درصد بوده است. اما وابستگی مالی رژیم ولایت فقیه به درآمد نفت به همین حدود ۶۰ درصد محدود نمی شود و طبق مرسوم سنواتی هر نوع کمبود مالی دولت با پول نفت جبران می شود یعنی سایر اقلام بودجه نیز بطور غیر مستقیم به منابع نفت و گاز وابسته است. بودجه های سالهای پیش نظام حاکم نشان داده است که در عمل سهمی که برای مالیات و سایر درآمدهای بودجه پیش بینی می کنند اغلب قابل تحقق نیست و درآمدهای غیرنفتی بودجه به اندازه پیش بینی شده در زمان بندی پیش بینی شده محقق نمی شود. در مقطعی که مثل چند سال اخیر درآمد نفت از حد پیش بینی شده در بودجه فراتر رود، برای جبران کمبود مالیاتها و پاسخگویی به افزایش هزینه های بودجه و یا هزینه های جدیدی که در بودجه پیش بینی نشده، از مازاد درآمد نفت که به «صندوق ذخیره ارزی» واریز شده برداشت کرده و میکنند. برای مثال در بودجه سال ۸۴ پیش بینی شده بود که تنها ۲۸ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی استفاده شود و این در حالی است که باتوجه به لایحه متمم بودجه این رقم به ۳۵ میلیارد دلار افزایش یافت.

### حساب ذخیره ارزی:

که مازاد درآمدهای نفتی در آن نگهداری می شود چهار سال پیش در حکومت محمد خاتمی تشکیل شد و قرار بود پشتوانه ارزی برای روز مبادا باشد. ولی اکنون به منبعی برای رفع کسری بودجه سالانه تبدیل شده است. قرار بود از منابع این حساب برای مواقعی استفاده شود که درآمدهای نفتی از میزان پیش بینی شده در بودجه سالانه کمتر باشد. در یکی دو سال اخیر، با آنکه قیمت نفت تقریباً دوبرابر پیش بینی بودجه بوده اما حکومت برای رفع کسری بودجه چندین بار از حساب ذخیره ارزی برداشت کرده است. اختصاص بخشی از درآمدهای حساب ذخیره ارزی به واردات بنزین، خرید گندم از کشاورزان و رفع کسری بودجه جاری حکومت نمونه هایی از استفاده نادرست از حساب ذخیره ارزی است که به خالی شدن این حساب منجر شده است. این در حالی است که کارشناسان معتقدند بیشتر از نیمی از منابع حساب ذخیره ارزی باید در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد بنابراین اگر قیمت نفت در سال آینده کاهش پیدا کند چیزی از ذخیره ارزی باقی نخواهد ماند که دولت بتواند روی آن حساب باز کند.

### محاسبه نفت ۴۰ دلاری:

داود دانش جعفری "وزیر" اقتصاد و دارایی در پاسخ به منتقدان قیمت بالای نفت در بودجه گفته است: "امکان کاهش درآمدهای نفتی با توجه به افزایش هزینه های جاری دولت وجود ندارد." مدیران جدید که حکومت احمدی نژاد منصوب کرده است می گویند قیمت هر بشکه نفت را، در بودجه سالانه، بر اساس کسری بودجه و برداشت های حساب ذخیره ارزی در طول سال جاری تنظیم کرده اند. اما سوال مهمی که مطرح است این است که اگر قیمت نفت در بازارهای جهانی کاهش یابد، حکومت احمدی نژاد چگونه خواهد توانست کسری ناشی از کاهش قیمت را جبران کند؟

جالب اینکه کاظم پوراردبیلی نماینده رژیم در هیات عامل اوپک در مصاحبه به روزنامه شرق (۲۵ دی ۸۴)، خود اعتراف کرده است: "اغلب کشورهای اوپک بودجه سال ۲۰۰۶ خود را بر مبنای نفت بشکه ای ۲۸ تا ۳۵ دلار، تنظیم کرده اند. من باب نمونه: کویت بودجه سال ۲۰۰۶ خود را بر مبنای نفت ۳۶ دلار، ونزوئلا قیمت ۱۷ تا ۲۳ دلاری نفت در بودجه سال گذشته اش را به بشکه ای ۲۶ دلار در سال جدید رسانده و دولت الجزایر سال گذشته بودجه کشورش را بر مبنای نفت ۱۹ دلار محاسبه کرده بود. این کشور سال جدید نیز همین رقم را در نظر گرفته است. بحرین نیز سال گذشته قیمت هر بشکه نفت را در بودجه سالانه اش ۳۰ دلار محاسبه کرده بود و برای سال نو در این رقم تغییری نداده است. مکزیک قیمت هر بشکه نفت را از ۲۱ دلار به ۳۶ دلار رسانده و نیجریه نیز بودجه اش را بر مبنای نفت ۳۳ دلار بسته است."

از این امر که عوامل موثر بر قیمت نفت قابل کنترل نیست و وابسته به حوادث و اتفاقات آینده است و در صورت حاصل نشدن قیمت نفت، کشور در سال آینده با بحران مواجه می شود که بگذریم، جای دو سوال باقی است: آیا حکومت با توجه به بحران آتی که ساخته است، مطمئن است که قیمت نفت پائین نمی آید؟ و با توجه به افت تولید چاهها، کاهش باز یافت ثانویه مخازن به دلیل عدم تزریق گاز به اندازه کافی و پرداخت ۶۰ درصد تولید میدین بیع متقابل بابت باز پرداخت به طرف خارجی، این بودجه بر اساس چه میزان تولید واقعی و از کدام مخازن و براساس تایید کدام بخش فنی بسته شده است؟

### تورم و افزایش نقدینگی:

افزایش ۵۴ درصدی رقم بودجه سال ۸۵ خود باعث افزایش نرخ تورم است. اما چنانچه نفت ۴۰ دلاری حدود ۴۰ میلیارد دلار درآمد عاید حکومت کند، بنا بر نظر مسعود نیلی مشاور "وزیر" سابق نفت: می توان ۱۰ میلیارد دلار هم برای سهم صادرات غیر نفتی و قاچاق در نظر گرفت و در نتیجه حجم واردات بیش از ۵۰ میلیارد دلاری را برای کشور متصور شد: «اگر چنین شد و ۵۰ میلیارد دلار واردات داشتیم، بسیاری از صنایع قدرت رقابتشان را از دست خواهند داد. البته ممکن است بخشی از این درآمد در بانک مرکزی ذخیره شده و حجم نقدینگی را افزایش دهد. در این صورت باید گفت که یک طرف نفت ۴۰ دلاری افزایش بیکاری ناشی از

ناتوانی رقابت تولید کنندگان داخلی با کالاهای خارجی قرار دارد و یک طرف دیگر هم افزایش نرخ تورم ناشی از افزایش نقدینگی. قابل ذکر است که باتوجه به نیاز به واردات آنها با این حجم عظیم، ایران ناچار خواهد شد در صورت تحریم اقتصادی برای تأمین واردات ضروری خود به ویژه تکنولوژی به بازار سیاه مراجعه کرده آنها را با قیمت های بسیار گزاف تری اکتیاف نماید که نقش تورم زای عظیمی خواهد داشت. وقتی مصرف سرسام آور روزانه 72 میلیون لیتری بنزین در داخل با توجه با ناوگان لاغر حمل و نقل ایران، کشور را ناچار به وارد کردن روزانه بیش از 30 میلیون لیتر بنزین میکند (ایسنا 27 مهر 84) میزان اثرات تحریم اقتصادی و فشار آن بر دوش طبقات محروم جامعه به مثابه استفاده کنندگان وسائط حمل و نقل عمومی مشخص میکند.

کسری بودجه: کسری بودجه از جمله پدیده‌هایی است که هر سال بودجه های حکومتی نظام حاکم با آن مواجهند و بهبود هم نمی‌یابد. بانک مرکزی با پوشش دادن کسری بودجه بزرگترین ضربه را به اموال مردم و اقتصاد کشور وارد می‌کند. با این پوشش دولت دچار آسودگی خیال شده و خود را ملزم به رعایت انضباط مالی و اقتصادی نمی‌کند. پوشش کسری بودجه از سوی بانک مرکزی عموماً با افزایش پایه پولی کاذب و تزریق پول بدون پشتوانه به اقتصاد صورت می‌گیرد. لذا خود از عوامل افزایش تورم و حجم نقدینگی میگردد. قانون بودجه سال 84 حاصل کار مشترک دولت "اصلاح طلب" خاتمی و مجلس هفتم "اصول گرا" بود. رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی منصوب احمدی نژاد اعلام داشت که رقم کسری بودجه سال 84 بالغ بر 8500 میلیارد تومان می‌شود. یعنی حکومت خاتمی بودجه اش با این کسری همراه بوده است و حکومت احمدی نژاد برای تأمین بخشی از این کسری لایحه ترمیم بودجه ۴۶۰۰ میلیارد تومانی به مجلس فرستاده است. هر چند حسن سبحانی عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در دفاع از خاتمی و انتقاد به حکومت احمدی نژاد گفت: حکومت جدید طی هشت و نه ماه گذشته بیش از پنج هزار میلیارد تومان هزینه‌های جدید برای کشور درست کرد و این رقم است که به کسری بودجه کشور افزوده می‌شود. ولی آنچه مسلم است وجود 8500 میلیارد تومان کسری بودجه رقم رشد 8 درصدی اقتصادی که در لایحه برنامه چهارم پیش‌بینی شده را بسیار مضحک جلوه میدهد.

#### یارانه انرژی:

در سال 84 مجلس با پرداخت ۲۷۰۰۰ میلیارد ریال معادل حدود ۳ میلیارد دلار یارانه از محل حساب ذخیره ارزی برای کمک به واردات بنزین و فروش آن به قیمت ارزان برای باقیمانده سال موافقت نمود. یعنی ۳ میلیارد دلار دیگر به رقم برآوردی حدود ۲۰ میلیارد دلار یارانه سال جاری افزوده شد. در واقع، حدود ۲۳ میلیارد دلار درآمد ارزی کشور، همراه مصرف و اتلاف انواع فرآورده های نفتی سوخته شد. در حالی که کل بودجه عمرانی عمومی کشور در سال 84 حدود ۱۲ میلیارد دلار بوده است! تأمین این میزان از یارانه انرژی در سال 85، در صورت تحریم اقتصادی ایران، بعهد دولتی است که در زمینه اقتصادی تنها عریده کشی و لاف زنی را آموخته است.

#### بودجه عمرانی:

احمدی نژاد در دیدار با اعضای کمیسیون بودجه و محاسبات مجلس میزان اعتبارات عمرانی یا تملک دارایی های سرمایه ای در بودجه سال آینده را هشتاد درصد کل بودجه اعلام کرد. برای کسانی که با ارقام بودجه آشنایی دارند، ۸۰ درصد بودجه عمرانی و ۲۰ درصد بودجه جاری برای سال ۸۵ بسیار دور از ذهن به نظر می‌رسد. آنها با توجه به اینکه محقق نشدن بودجه های عمرانی در این نظام مسیوق با سابقه است. جالب اینکه رئیس سازمان مدیریت عنوان کرده است که 9000 طرح و 45000 پروژه استانی تاکنون ناتمام مانده است. بنابراین، بودجه عمرانی کفاف همه طرحها را نمیدهد، لذا بودجه امسال فقط به طرحهای اولویت دار اختصاص خواهد یافت و بقیه فعلاً باید تعطیل شوند. از آنجا که تخصیص بودجه های جاری همچون حقوق کارکنان دولت و بودجه های بهداشت و درمان و آموزش و پرورش قابل تعویق نیست و تنها می‌توان با تخصیص کمتر اعتبارات عمرانی که از آن به عنوان جابه جایی ردیف های بودجه یاد می‌شود، سال را به انتها رساند. همان کاری که امسال در مورد حدود ۴۰۰۰ میلیارد تومان از کسری ۸۵۰۰ میلیارد تومانی بودجه کردند و از این محل جبران و مابقی از طریق لایحه متمم بودجه و افزایش درآمدها به وسیله برداشت از حساب ذخیره ارزی تأمین خواهد شد. وخوش چهره راه یافته به مجلس هفتم معتقد است: "حکومت بودجه عمرانی را در لایحه بودجه سال آینده افزایش داده است. اما این امر زمانی منطقی است که از بودجه جاری کم و بر بودجه عمرانی اضافه شود. ولی دولت با افزایش 56 درصدی رقم بودجه اقدام به افزایش بودجه عمرانی نموده و در بودجه جاری صرفه جویی نکرده است."

#### صادرات غیر نفتی:

صادرات غیر نفتی ایران کمتر از 8 میلیارد دلار است که این رقم در مقایسه با میزان صادرات ۴/۷۳ میلیارد دلاری کشور همسایه ترکیه در سال ۲۰۰۵ میلادی که کشوری عاری از منابع نفتی است، میزان وابستگی بودجه ایران را به منبع نفت هویدا میسازد. جای شک باقی نیست که در صورت تحریم اقتصادی ایران، همین میزان صادرات غیر نفتی بعلت افزایش نرخ تورم، شدیداً کاهش خواهد یافت.

#### سرمایه گذاری خارجی:

طی سال 84، 42 طرح سرمایه گذاری خارجی از 24 کشور جهان به میزان 2 میلیارد و 541 میلیون و 852 هزار دلار در ایران انجام شده که بیشترین حجم این سرمایه گذاری مربوط به کشورهای آسیایی بوده است. محرز است که همین میزان بسیار محدود سرمایه گذاری خارجی با توجه به جو تحریم به سمت صفر میل میکند.

چنین بودجه وابسته به نفتی آنها با وجود تهدید شدن به تحریم اقتصادی و حمله نظامی ... و تصمیم حکومت خاتمی، در ماههای پایانی حکومت خود مبنی بر سپرده گذاری درآمد ناشی از فروش نفت نزد بانکهای خارجی شود و خطر بلوکه شدن این سپرده ها، این پرسش را پیش رو می‌نهد: بودجه ای که در بحران بسته شده و گزارشگر ادامه بحران در سال آینده است، چه خبر از پایان بحران می‌دهد؟ بودجه ای که بودجه مقاومت نیست و بودجه سلب مقاومت است، خبر از آن می‌دهد که بودجه عامل فشار به مردم است برای آنکه وقتی زمان سرکشیدن جام زهر رسید، دم نزنند و به تسلیم رژیم تسلیم شوند.

به گزارش خبرنگار روز اکنون حکومت احمدی نژاد بانکهای کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی را امن ترین مکان برای بردن سپرده ها از بانکهای کنونی به آن بانکها میداند و سعی در انتقال این وجوه به به بانکهای آن کشورها را دارد. این تصمیم دولت در شرایطی اتخاذ می‌شود که ماه گذشته، حساب سفارت ایران در ایتالیا به حکم یک دادگاه آن کشور بسته شد.

میان تپی بودن شعارهای احمدی نژاد از قبیل: «ما با اقتصاد نفتی - وارداتی، مخالفیم» آنها با این لایحه بودجه که ویژه گیهایش را بر شمردم، از هر گونه شعور اقتصادی و بدون هیچ برنامه ای برای تحقق آن بر همه محرز است و با توجه به شناختی که از مسئولین نظام ولایت فقیه داریم به ضرس قاطع در پس ایجاد بحرانهای شدید سیاسی - اقتصادی - نظامی برای ایران، شاهد یک عقب نشینی همراه با پذیرش همه عوارض منفی ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت خواهیم بود.

ملت ایران یا حاضر است تمامی خشونت سیاسی این نظام را به انضمام خشونت های اقتصادی از قبیل فرار سرمایه ها و مغزها و افزایش بیکاری و محدود شدن سرمایه گذاری خارجی و تورم لجام گسخته و ... تا مرز تحریم، تحمل کند و دم بر نیارد و یا عزت نفس عنصر ایرانی باعث میشود گریبان از شر رژیم فاسد و مستبدی رها کند که تنها مانع آنان در راه برقراری یک نظام مردمی مردم سالار است.

